

آسیب‌شناسی اجتماعی طلاق در جامعه شهری ایران (۱۳۹۴-۱۳۸۳)

تاریخ دریافت مقاله: ۹۴/۷/۱۰

تاریخ تأیید مقاله: ۹۴/۱۱/۲۰

غلامرضا جمشیدیها*

سعید نریمانی**

عبدالله جمالی***

چکیده

پژوهش حاضر با هدف آسیب‌شناسی اجتماعی طلاق و به منظور بررسی و شناسایی مهم‌ترین عوامل فردی، خانوادگی، اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و نیز ارائه تأثیرگذارترین علل در میان مهم‌ترین علل شناسایی شده شکل‌گیری این پدیده در جامعه شهری ایران انجام شده است. در این تحقیق از روش تحلیل ثانویه استفاده شده است. جامعه آماری، مقالات فارسی مربوط به طلاق در جامعه شهری ایران؛ روش نمونه‌گیری، غیر تصادفی هدفمند و حجم نمونه، ۲۷ مقاله بوده است. یافته‌های به دست آمده حاکی از آن است که ضعف مهارت‌های زندگی، دروغ‌گویی، بدگمانی، نارضایتی جنسی و خیانت، خشونت، اعتیاد، نازایی، ازدواج مجدد و بیماری روانی، مهم‌ترین علل فردی؛ مداخله اطرافیان و ازدواج اجباری و نامناسب، مهم‌ترین علل خانوادگی؛ مشکلات اقتصادی، بیکاری، استقلال‌خواهی مالی زنان، میزان مهریه و به روز شدن آن و عدم پرداخت نفقه، مهم‌ترین علل اقتصادی؛ تأثیر منفی رسانه‌ها، مهم‌ترین علت اجتماعی و آرمان‌زدگی و افزایش سطح توقعات، کم‌رنگ شدن ارزش‌های اخلاقی و دینی، ارتباط نامناسب قبل از ازدواج، عدم تناسب و تفاهم میان زوجین و تصوّر مثبت از پیامدهای طلاق، از مهم‌ترین علل فرهنگی شکل‌گیری طلاق در جامعه شهری ایران بوده‌اند. در نهایت نیز پیشنهادهایی به منظور بهبود وضعیت موجود ارائه شده است.

واژگان کلیدی: آسیب‌شناسی اجتماعی، طلاق، شهر، ایران، تحلیل ثانویه.

* استاد جامعه‌شناسی دانشگاه تهران.

** کارشناس ارشد جامعه‌شناسی. Email: saeednarimani85@gmail.com

*** کارشناس ارشد جامعه‌شناسی.

الف) مقدمه و طرح مسئله

خانواده اولین نهاد اجتماعی و حیاتی است که سلامت فرد و بقای جامعه را تأمین و تضمین می‌کند. هیچ جامعه‌ای بدون داشتن نظامی برای جایگزینی اعضای خویش، قادر به ادامه حیات نیست. خانواده امکانی را فراهم می‌سازد که از طریق آن، این جایگزینی تحقق یابد. فرد، نه تنها از نظر جسمی و زیستی، بلکه مهم‌تر از آن، به لحاظ عاطفی، روانی و شخصیتی نیز تحت تأثیر خانواده قرار دارد؛ چرا که خانواده جایگاهی است که فرد می‌تواند با تکمیل شخصیت خود، برای بر عهده گرفتن نقش‌های اجتماعی‌اش در جامعه آماده شود. نقش همسری، از جمله نقش‌هایی است که پس از ازدواج بر عهده افراد (مرد و زن) گذاشته می‌شود. مقدمه ازدواج و تشکیل خانواده، انتخاب و گزینش همسر است که در فرهنگ‌های گوناگون با اشکال مختلف صورت می‌گیرد. گرچه ازدواج به عنوان پیش‌شرط تشکیل خانواده، زمینه را برای پیوند و اتصال نسل‌های متوالی فراهم آورده، موجب تثبیت و انتقال فرهنگ جامعه از نسل گذشته به آینده می‌شود، اما خانواده‌ها همواره قادر نیستند تا کنش‌های اجتماعی و متقابل اعضایشان را به صورت پیوسته به سمت هدف خاصی هدایت کرده و انسجام گروهی خانواده را حفظ کنند که این وضعیت می‌تواند به گسست ازدواج، فروپاشی نظام خانواده و وقوع طلاق منجر شود. (ریاحی و همکاران، ۱۳۸۶: ۱۱۰)

بنابر این، طلاق یکی از انواع گسیختگی خانواده است که می‌تواند اثرات جبران ناپذیری را بر اعضای آن تحمیل کند؛ پدیده‌ای خانمان‌سوز و آسیب‌زا و مسئله‌ای که امروزه در ایران به ویژه در جامعه شهری، ذهن متفکران علوم اجتماعی را به خود مشغول داشته است؛ چرا که از حدّ معین خارج و فراوانی آن غیر متعارف شده است. نگاهی به آمارهای منتشر شده از سوی سازمان ثبت احوال (جدول ۱ و ۲) نشان می‌دهد در فاصله سال‌های ۹۳-۱۳۸۳ و نیز ۹ ماهه ۱۳۹۴ در قیاس با ۹ ماهه ۱۳۹۳ نرخ طلاق سیر صعودی داشته است. همچنین ارقام جداول ۱ و ۲ نشانگر اختصاص سهم اعظمی از طلاق‌های صورت گرفته در کل کشور، به مناطق شهری و نیز برتری طلاق‌های ثبت شده در مناطق شهری نسبت به مناطق روستایی است. بنابر این، تفسیر ارقام جدول ۱ و ۲ بیانگر آن است که امروزه طلاق، به ویژه در مناطق شهری، دیگر یک مسئله شخصی و مشکل فردی نیست، بلکه مسئله‌ای اجتماعی است؛ مسئله‌ای که عدم کنترل و افزایش





آن نه تنها بر نحوه ارتباط اعضای خانواده در جامعه شهری تأثیر می گذارد، بلکه صدمات شدیدی را بر کل پیکر جامعه نیز وارد می سازد و آن را دستخوش مشکلات جدی و جبران ناپذیری می کند. لذا از آن جا که طلاق عامل گسست خانواده و خانواده مهم ترین نهاد جامعه پذیری در جامعه انسانی است و استحکام و ثبات آن در کشوری چون ایران از اهمیت بسزایی برخوردار است، بررسی و شناسایی عوامل مؤثر در شکل گیری این پدیده، بیش از پیش احساس می شود. در این راستا، اگر چه می توان عوامل بسیاری را مؤثر دانست و به تشریح جزئیات آن پرداخت، اما به نظر می رسد شناسایی و ارائه مهم ترین علل مؤثر، به منظور برنامه ریزی بهتر و سریع تر، مناسب تر باشد.

بنابر این، آنچه در این پژوهش مد نظر است، پاسخ به سؤالات ذیل است:

۱. مهم ترین عوامل فردی، خانوادگی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی در شکل گیری طلاق در جامعه شهری ایران کدامند؟
۲. تأثیرگذارترین علل در میان مهم ترین علل فردی، خانوادگی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی شناسایی شده کدامند؟

جدول ۱: نرخ طلاق از سال های ۱۳۸۳ تا ۱۳۹۳

روستا	شهر		کل کشور	سال	
	نسبت به کل کشور	کل			
۱۴ درصد	۱۰۴۷۶	۸۶ درصد	۶۳۴۰۶	۷۳۸۱۲	۱۳۸۳
۱۷ درصد	۱۴۲۱۸	۸۳ درصد	۷۰۰۲۳	۸۴۲۴۱	۱۳۸۴
۱۶ درصد	۱۵۲۳۸	۸۴ درصد	۷۸۸۰۲	۹۴۰۳۹	۱۳۸۵
۱۶ درصد	۱۵۷۳۲	۸۴ درصد	۸۴۱۲۰	۹۹۸۵۲	۱۳۸۶
۱۵ درصد	۱۷۰۱۴	۸۵ درصد	۹۳۴۹۶	۱۱۰۵۱۰	۱۳۸۷
۱۵ درصد	۱۹۱۹۹	۸۵ درصد	۱۰۶۵۴۸	۱۲۵۷۴۷	۱۳۸۸
۱۵ درصد	۲۰۵۵۷	۸۵ درصد	۱۱۶۶۴۳	۱۳۷۲۰۰	۱۳۸۹
۱۵ درصد	۲۱۷۵۰	۸۵ درصد	۱۲۱۰۹۱	۱۴۲۸۴۱	۱۳۹۰
۹ درصد	۱۳۴۱۱	۹۱ درصد	۱۳۶۹۱۳	۱۵۰۳۲۴	۱۳۹۱
۷ درصد	۱۱۲۸۶	۹۳ درصد	۱۴۴۰۸۳	۱۵۵۳۶۹	۱۳۹۲
۹ درصد	۱۳۹۲۵	۹۱ درصد	۱۴۹۶۴۴	۱۶۳۵۶۹	۱۳۹۳

(مأخذ: سازمان ثبت احوال کشور)

جدول ۲: نرخ طلاق در نه ماهه ۱۳۹۳ و ۱۳۹۴

روستا	شهر		کل کشور	سال	
	نسبت به کل کشور	کل			نسبت به کل کشور
نه ماهه ۱۳۹۳	۸ درصد	۹۶۴۴	۹۲ درصد	۱۰۷۷۴۰	۱۱۷۳۸۴
نه ماهه ۱۳۹۴	۱۰ درصد	۱۲۵۳۸	۹۰ درصد	۱۰۹۸۰۳	۱۲۲۳۴۰

(مأخذ: سازمان ثبت احوال کشور)

ب) اهداف پژوهش

- بررسی و شناسایی مهم‌ترین علل فردی شکل‌گیری طلاق در جامعه شهری ایران.
- بررسی و شناسایی مهم‌ترین علل خانوادگی شکل‌گیری طلاق در جامعه شهری ایران.
- بررسی و شناسایی مهم‌ترین علل اقتصادی شکل‌گیری طلاق در جامعه شهری ایران.
- بررسی و شناسایی مهم‌ترین علل اجتماعی شکل‌گیری طلاق در جامعه شهری ایران.
- بررسی و شناسایی مهم‌ترین علل فرهنگی شکل‌گیری طلاق در جامعه شهری ایران.

- ارائه تأثیرگذارترین علل در میان مهم‌ترین علل فردی، خانوادگی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی شناسایی شده.
- ارائه راهکار بر اساس یافته‌ها به منظور بهبود وضعیت موجود.

ج) چارچوب مفهومی

چارچوب مفهومی پژوهش با تکیه بر نظریات تضاد ارزش‌ها، مشکلات اقتصادی، همسان‌همسری، شبکه، مبادله، انصاف، واکنش، تصوّرات اجتماعی، برچسب‌زنی، بی‌هنجاری اجتماعی، کارکردگرایی ساختاری و کاشت فرهنگی تدوین شده است.

د) روش پژوهش

در این تحقیق، موضوع مورد بررسی به صورت موردی مطالعه نمی‌شود، بلکه بر اساس بررسی تحقیقات منتشر شده پیشین در قالب مقالات، مهم‌ترین عوامل فردی، خانوادگی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی مؤثر بر شکل‌گیری طلاق در جامعه شهری ایران شناسایی و در چارچوبی مفهومی تبیین و ارائه می‌شوند. در واقع؛ روش شناسی



مورد استفاده در این تحقیق، روش تحلیل ثانویه^۱ است. «هاکیم^۲، تحلیل ثانویه را چنین تعریف می‌کند: «هر تحلیل بعدی (ثانوی)، مجموعه‌ای از اطلاعات موجود است که تفسیر، نتیجه‌گیری یا شناختی افزون بر گزارش اول یا متفاوت با آن را ارائه می‌دهد» (بیکر، ۱۳۸۶: ۳۰۷). جامعه آماری مقالات فارسی مربوط به علل طلاق در جامعه شهری ایران از سال ۱۳۸۳ تا ۱۳۹۴ و نمایه شده در بانک‌های اطلاعاتی: مگیران (بانک اطلاعات نشریات کشور)، نورمگز (پایگاه مجلات تخصصی نور)، اس‌ای دی (اطلاعات علمی جهاد دانشگاهی)، پورتال جامع علوم انسانی و سامانه یکپارچه نشریات ناجا است که با لحاظ کردن معیارهای: انتشار در مجلات علمی - پژوهشی، ارتباط زمانی، موضوعی و محتوایی، با استفاده از روش نمونه‌گیری غیر تصادفی هدفمند^۳ ۲۷ مقاله به عنوان نمونه برای استخراج داده‌ها انتخاب شده است. «در واقع؛ در این روش نمونه‌گیری، محقق از میان جامعه آماری، تعدادی نمونه‌هایی را انتخاب می‌کند که با اهداف پژوهش بیشترین سازگاری را دارند» (فرانکفورد و نجمیاس، ۱۳۸۱: ۲۶۴).

بنابر این، معیار انتخاب نمونه‌ها در این روش، نظر شخصی محقق است که البته این نظر بر مسئله و اهداف تحقیق استوار است.

ه) تعریف نظری مفاهیم

۱. آسیب‌شناسی اجتماعی^۴

«آسیب‌شناسی» از جمله اصطلاحات زیست‌شناسی و پزشکی است که در جامعه‌شناسی به کار گرفته شده است. این اصطلاح، حاصل تشبیه جامعه به یک کالبد زیستی و بررسی موضوعات اجتماعی همانند موضوعات زیستی است. در بررسی مسائل اجتماعی، آسیب‌شناسی به مطالعه نابسامانی‌ها، اختلال و عدم هماهنگی و تعادل در کارکردهای مربوط به کالبد حیات اجتماعی می‌پردازد. (صدیق سروستانی، ۱۳۸۷: ۱۰)

۲. طلاق^۵

طلاق به گسیختگی خانواده و انحلال قانونی، شرعی و عرفی از دواج تحت شرایط و

1. Secondary Analysis.
2. Hakim.
3. Purposeful Non-Random Sampling.
4. Social Pathology.
5. Divorce.



مقرراتی خاص (تقوی، ۱۳۷۸: ۱۶۹) و انحلال رابطه‌ی زناشویی در ازدواج دائم که به دنبال آن از نظر رعایت حقوق و تکالیف زناشویی مسئولیتی برای زن و شوهر وجود ندارد، گفته می‌شود. (حسینی بهشتی، ۱۳۹۰: ۳۶۹)

و) یافته‌ها

۱. عوامل فردی

یک) ضعف مهارت‌های زندگی

عدم انتقال صحیح شیوه‌های زندگی به نسل جدید برای ورود به زندگی مشترک، به دلیل کم‌توجهی نهادهای غیر رسمی و رسمی (خانواده، آموزش و پرورش، دین و...)، آن هم در عصر جدید، باعث اختلال در زندگی مشترک و روابط زناشویی زوجین جوان شده است. آشنا نبودن نسل جوان با مهارت‌های لازم برای داشتن روابط سالم و آداب صحیح زندگی مشترک، منطبق با فرهنگ بومی خانواده‌های ایرانی، از جمله: مهارت‌های ارتباطی و عاطفی، مواجهه و مقابله با بحران‌های اقتصادی، مواجهه و مقابله با استرس‌های عصبی و ناکامی‌ها و ...، زندگی زوجین جوان را با بحران جدایی و طلاق مواجه ساخته است. استناد به نتایج تحقیقات (قلی‌زاده و همکاران، ۱۳۹۴؛ فولادی و شاه‌نعمتی گاوگانی، ۱۳۹۴؛ عرب و همکاران، ۱۳۹۳؛ محمدپور، ۱۳۹۱؛ توسلی و غیائی ندوشن، ۱۳۹۰؛ هنریان و یونس، ۱۳۹۰؛ مشکی و همکاران، ۱۳۸۹؛ زرگر و نشاط‌دوست، ۱۳۸۶) نشان می‌دهد ضعف مهارت‌های زندگی، یکی از مهم‌ترین دلایل فردی شکل‌گیری طلاق در جامعه‌ی شهری ایران است.

دو) دروغگویی

دروغگویی یکی از علل شکل‌گیری طلاق و انحلال زندگی زناشویی است. دروغ، عامل بی‌اعتمادی و عدم اعتماد زوجین به یکدیگر و پیامدهای ناشی از آن در بسیاری از موارد، عامل فروپاشی خانواده‌هاست. استناد به نتایج تحقیقات (قاسمی و ساروخانی، ۱۳۹۳؛ عرب و همکاران، ۱۳۹۳؛ قاسمی و ساروخانی، ۱۳۹۲؛ غیائی و همکاران، ۱۳۸۹) نشان می‌دهد ازدواج مجدد، یکی از مهم‌ترین دلایل فردی شکل‌گیری طلاق در جامعه‌ی شهری ایران است.

سه) بدگمانی

در رابطه با بدگمانی، دو موضوع قابل طرح است؛ نخست، روابط قبل از ازدواج همسر و دوم، روابط بعد از ازدواج همسر. از آنجا که رابطه با جنس مخالف نامحرم، به ویژه



برای دختران، غیر قابل پذیرش است، بسیاری از مردان در صورت آگاهی از وجود چنین رابطه‌ای، از ازدواج منصرف می‌شوند. این موضوع به ویژه برای شوهرانی که همسرانشان در خانه ناپدری رشد یافته‌اند، مشکل است. از آنجا که از نظر مذهبی، خویشاوندان مذکر ناپدری برای دختر، نامحرم محسوب می‌شوند، رفت و آمد با خویشاوندان مرد، قبل از ازدواج و احتمال رابطه نامشروع دختر با خویشاوندان مذکر ناپدری، به دغدغه‌ای آزاردهنده برای شوهران تبدیل می‌شود. پیامد رفتاری این امر، در کنترل بیش از حد زن، اعمال محدودیت‌های افراطی در رفت و آمد به خانه ناپدری و افکار بدبینانه درباره روابط فعلی، نمود یافته، با تشدید تعارضات زناشویی و تعارض با خانواده‌های پدری، زمینه را برای فروپاشی زندگی زناشویی آماده می‌کند. بعد از ازدواج نیز بدگمانی به شکل تردید در وفاداری همسر و به تبع آن، تلاش برای کنترل افراطی و اتهام خیانت به همسر زن، نمود می‌یابد. استناد به نتایج تحقیقات (فولادی و شاه‌نعمتی گاوگانی، ۱۳۹۴؛ قاسمی و ساروخانی، ۱۳۹۳؛ قریشی و همکاران، ۱۳۹۳؛ قاسمی و ساروخانی، ۱۳۹۲؛ محمدپور، ۱۳۹۱؛ محسن‌زاده و همکاران، ۱۳۹۰؛ حکیم و زاهدی‌فر، ۱۳۸۹؛ کاملی، ۱۳۸۶) نشان می‌دهد بدگمانی، یکی از مهم‌ترین دلایل فردی شکل‌گیری طلاق در جامعه شهری ایران است.

چهار) نارضایتی جنسی و خیانت

در بحث نارضایتی جنسی و خیانت لازم است به این موضوع توجه شود که رفتار خیانت‌آمیز، مبنای جنسی دارد و میزان و دلایل درگیری مردان و زنان در این زمینه، کاملاً متفاوت است. مردان معمولاً در نتیجه تعارضات زناشویی و نارضایتی جنسی، راه خیانت را پیش می‌گیرند، اما زنان به قصد تلافی و انتقام‌جویی گام در این راه می‌گذارند؛ که برای انتقام از شوهر بعد از آگاهی از خیانت اوست یا برای انتقام از خانواده پدری به دلیل وادار کردن وی به ازدواج اجباری. استناد به نتایج تحقیقات (فولادی و شاه‌نعمتی گاوگانی، ۱۳۹۴؛ قلی‌زاده و همکاران، ۱۳۹۴؛ ۴۲؛ قاسمی و ساروخانی، ۱۳۹۳؛ عرب و همکاران، ۱۳۹۳؛ محمدپناه و شیرزاد، ۱۳۹۳؛ قاسمی و ساروخانی، ۱۳۹۲؛ محمدپور، ۱۳۹۱؛ حبیب‌پور گتایی و نازک‌تبار، ۱۳۹۰؛ توسلی و غیائی ندوشن، ۱۳۹۰؛ محسن‌زاده و همکاران، ۱۳۹۰؛ شهولی و رضایی‌فر، ۱۳۹۰؛ حکیم و زاهدی‌فر، ۱۳۸۹؛ کاملی، ۱۳۸۶) نشان می‌دهد نارضایتی جنسی و خیانت، یکی از مهم‌ترین دلایل فردی طلاق در جامعه شهری ایران است.

پنج) خشونت

خشونت یکی از عوامل اقدام به طلاق و تصمیم برای پایان دادن به ازدواج است.



خشونت فیزیکی معمول‌ترین پیامد تعارضات زناشویی در ازدواج‌های منجر به طلاق است که توسط مردان علیه زنان اعمال می‌شود. از نظر زمان‌شناختی، در برخی از ازدواج‌های شکست خورده، خشونت از دوره‌ی نامزدی و قبل از زندگی مشترک شروع می‌شود. در مواردی بعد از آغاز زندگی مشترک و در مواردی دیگر در نتیجه‌ی تعارضات مزمن، به طور تدریجی روی می‌دهد و تشدید می‌شود. مشخصه‌های اصلی رفتار خشونت‌آمیز در ازدواج‌های شکست خورده، تکرار و شدت زیاد آن است و مواردی نظیر هل دادن و پرت کردن از بالای پله، شکست استخوان سر، کندن موی سر و بستری شدن در بیمارستان را شامل می‌شود. استناد به نتایج تحقیقات (فولادی و شاه‌نعمتی گاوگانی، ۱۳۹۴؛ قاسمی و ساروخانی، ۱۳۹۳؛ عرب و همکاران، ۱۳۹۳؛ قریشی و همکاران، ۱۳۹۳؛ محمدپناه و شیرزاد، ۱۳۹۳؛ قاسمی و ساروخانی، ۱۳۹۲؛ محمدپور، ۱۳۹۱؛ محسن‌زاده و همکاران، ۱۳۹۰؛ هنریان و یونسی، ۱۳۹۰؛ شهولی و رضایی‌فر، ۱۳۹۰؛ حبیب‌پور گتایی و نازک‌تبار، ۱۳۹۰؛ فخرایی و حکمت، ۱۳۸۹؛ غیائی و همکاران، ۱۳۸۹؛ کاملی، ۱۳۸۶) نشان می‌دهد خشونت، یکی از مهم‌ترین دلایل فردی طلاق در جامعه‌ی شهری ایران است.

شش) اعتیاد

مصرف الکل (مشروبات الکلی) و استعمال مواد مخدر و اعتیاد به آنها، از دیگر عوامل فروپاشی ازدواج و اقدام به طلاق است. معمولاً مصرف الکل (مشروبات الکلی) و استعمال مواد مخدر و اعتیاد به آنها مبنای جنسی دارد و مختص مردان است. علاوه بر خود مسئله مصرف الکل (مشروبات الکلی) و استعمال مواد مخدر و اعتیاد به آنها، در برخی موارد، تعارضات زناشویی شکل‌گرفته حول این مسئله، به پیامدهایی منجر می‌شود که فرایند فروپاشی را تسریع می‌کنند؛ نظیر خشونت زناشویی و درگیر شدن اعضای خانواده‌های پدری در تعارضات. استناد به نتایج تحقیقات (فولادی و شاه‌نعمتی گاوگانی، ۱۳۹۴؛ قاسمی و ساروخانی، ۱۳۹۳؛ عرب و همکاران، ۱۳۹۳؛ محمدپناه و شیرزاد، ۱۳۹۳؛ قاسمی و ساروخانی، ۱۳۹۲؛ محمدپور، ۱۳۹۱؛ محسن‌زاده و همکاران، ۱۳۹۰؛ توسلی و غیائی ندوشن، ۱۳۹۰؛ حبیب‌پور گتایی و نازک‌تبار، ۱۳۹۰؛ هنریان و یونسی، ۱۳۹۰؛ غیائی و همکاران، ۱۳۸۹؛ کاملی، ۱۳۸۶؛ زرگر و نشاط دوست، ۱۳۸۶؛ قطبی و همکاران، ۱۳۸۳) نشان می‌دهد مصرف الکل (مشروبات الکلی) و استعمال مواد مخدر و اعتیاد به آنها، یکی از مهم‌ترین دلایل فردی طلاق در جامعه‌ی شهری ایران است.

هفت) نازایی

حساسیت موضوع نازایی، بسته به شرایط فرهنگی هر جامعه متفاوت است؛ به طوری



که در برخی از جوامع که ارزش و قابلیت زن به توانایی تولید مثل او بستگی دارد، در صورت وجود مشکل ناباروری، این طرز تفکر منجر به وارد شدن فشارهای فوق‌العاده، انگ زدن، تجربه انواع خشونت خانگی و حتی طرد و طلاق می‌شود. استناد به نتایج تحقیقات (فولادی و شاه‌نعمتی گاوگانی، ۱۳۹۴؛ عرب و همکاران، ۱۳۹۳؛ محمدپور، ۱۳۹۱؛ شهولی و رضایی‌فر، ۱۳۹۰؛ حبیب‌پور گتایی و نازک‌تبار، ۱۳۹۰؛ کاملی، ۱۳۸۶؛ قطبی و همکاران، ۱۳۸۳) نشان می‌دهد نازایی، یکی از مهم‌ترین دلایل فردی طلاق در جامعه شهری ایران است.

هشت) ازدواج مجدد

یکی از دلایل فروپاشی زندگی مشترک و پیوند ازدواج، ازدواج مجدد مردان بدون اطلاع همسر اول است. دو موضوع در این رابطه قابل اشاره است: نخست اینکه، برخی از مردان به دلیل عدم رضایت از زندگی مشترک با همسر اول و گریز از فضای نامطلوب خانه اقدام به ازدواج مجدد می‌کنند و دوم اینکه، انگیزه شکل‌گیری برخی دیگر از ازدواج‌های مجدد توسط مردان، صرفاً ارضای حس تنوع‌طلبی است. در این مورد، ازدواج‌های شکل گرفته معمولاً به صورت موقت یا همان صیغه است. بنابر این، در هر دو مورد، ازدواج‌هایی شکل می‌گیرند که در اکثر موارد باعث فروپاشی ازدواج اول برای مردان است. استناد به نتایج تحقیقات (فولادی و شاه‌نعمتی گاوگانی، ۱۳۹۴؛ عرب و همکاران، ۱۳۹۳؛ محمدپور، ۱۳۹۱؛ حبیب‌پور گتایی و نازک‌تبار، ۱۳۹۰؛ حکیم و زاهدی‌فر، ۱۳۸۹؛ کاملی، ۱۳۸۶؛ قطبی و همکاران، ۱۳۸۳) نشان می‌دهد ازدواج مجدد، یکی از مهم‌ترین دلایل فردی شکل‌گیری طلاق در جامعه شهری ایران است.

نه) بیماری روانی

یکی از علل فروپاشی رابطه زناشویی و شکل‌گیری طلاق، اختلال روانی شخص در گذشته یا حال است. قسمت اعظم تعارضات زناشویی افراد مبتلا به اختلال روانی شدید، ناشی از افسردگی و برخی اختلالات اضطرابی است و بخش کثیری از اختلالات روانی زوجین، نظیر افسردگی و اختلالات اضطرابی، ناشی از تعارضات شدید زناشویی است. بنابر این، تعارضات زناشویی و اختلالات روانی به طور متقابل بر روی یکدیگر تأثیر دارند. استناد به نتایج تحقیقات (فولادی و شاه‌نعمتی گاوگانی، ۱۳۹۴؛ محمدپور، ۱۳۹۱؛ حبیب‌پور گتایی و نازک‌تبار، ۱۳۹۰؛ مشکی و همکاران، ۱۳۸۹؛ کاملی، ۱۳۸۶؛ زرگر و نشاط دوست، ۱۳۸۶؛ قطبی و همکاران، ۱۳۸۳) نشان می‌دهد بیماری روانی، یکی از مهم‌ترین دلایل فردی طلاق در جامعه شهری ایران است.



۲. عوامل خانوادگی

یک) مداخلهٔ اطرافیان

ناهنجاری مهم دیگری که موجب درگیری در بین زوجین و ازهم پاشیدگی کانون خانواده می‌شود، دخالت و تحریک اطرافیان است. متأسفانه بسیاری از خانواده‌ها پس از ازدواج، به استقلال فرزندان خود احترام نمی‌گذارند و به خود اجازهٔ دخالت در زندگی آنان را می‌دهند. استناد به نتایج تحقیقات (قلی‌زاده و همکاران، ۱۳۹۴؛ فولادی و شاه‌نعمتی گاوگانی، ۱۳۹۴؛ قاسمی و ساروخانی، ۱۳۹۳؛ عرب و همکاران، ۱۳۹۳؛ قاسمی و ساروخانی، ۱۳۹۲؛ قادرزاده و همکاران، ۱۳۹۱؛ هنریان و یونسی، ۱۳۹۰؛ حبیب‌پور گتایی و نازک‌تبار، ۱۳۹۰؛ توسلی و غیائی ندوشن، ۱۳۹۰؛ شهولی و رضایی‌فر، ۱۳۹۰؛ فخرایی و حکمت، ۱۳۸۹؛ فاتحی دهقانانی و نظری، ۱۳۹۰؛ مشکی و همکاران، ۱۳۸۹؛ کاملی، ۱۳۸۶؛ ریاحی و همکاران، ۱۳۸۶؛ زرگر و نشاط‌دوست، ۱۳۸۶) نشان می‌دهد مداخلهٔ اطرافیان، یکی از مهم‌ترین دلایل خانوادگی طلاق در جامعهٔ شهری ایران است.

دو) ازدواج اجباری و نامناسب

یکی از دلایل شکست ازدواج و طلاق، شکل‌گیری ازدواج بر مبنای اهداف و انگیزه‌های نامناسب است. برای برخی، ازدواج به این دلیل به شکست می‌انجامد که از همان آغاز به دلیل عشق و علاقه یا بر اساس ملاک‌های درست صورت نگرفته است. دو موضوع در این رابطه قابل اشاره است؛ نخست اینکه، برخی از دختران به دلیل گریز از فضای نامطلوب خانهٔ پدری اقدام به ازدواج می‌کنند و دوم اینکه، انگیزهٔ شکل‌گیری برخی دیگر از ازدواج‌ها، اجبار والدین، بدون توجه به معیارهایی چون: عشق، علاقه و کفویت است. بنابر این، در هر دو مورد ازدواج‌هایی شکل می‌گیرند که از همان آغاز محکوم به شکست می‌باشند. استناد به نتایج تحقیقات (فولادی و شاه‌نعمتی گاوگانی، ۱۳۹۴؛ قاسمی و ساروخانی، ۱۳۹۳؛ قریشی و همکاران، ۱۳۹۳؛ عرب و همکاران، ۱۳۹۳؛ قاسمی و ساروخانی، ۱۳۹۲؛ محمدپور، ۱۳۹۱؛ محسن‌زاده و همکاران، ۱۳۹۰؛ حبیب‌پور گتایی و نازک‌تبار، ۱۳۹۰؛ غیائی و همکاران، ۱۳۸۹؛ مشکی و همکاران، ۱۳۸۹؛ کاملی، ۱۳۸۶؛ قطبی و همکاران، ۱۳۸۳) نشان می‌دهد ازدواج نامناسب و اجباری، یکی از مهم‌ترین دلایل خانوادگی طلاق در جامعهٔ شهری ایران است.

۳. عوامل اقتصادی

یک) مشکلات مالی

مشکلات مالی از جمله عواملی است که طی مکانیسم‌های مختلفی به ایجاد نارضایتی



و تعارضات زناشویی کمک می‌کند. نخست، مقصر دانستن شوهر توسط زن به دلیل ناتوانی در تأمین مالی خانواده. تأمین مالی خانواده از وظایف شوهر محسوب می‌شود و برخی از مردان به دلیل بیکاری یا شغل کم‌درآمد قادر به تأمین ضروریات زندگی نیستند. لذا فشارهای ناشی از چنین وضعیتی، باعث مقصر دانستن شوهر و رفتارهای سرزنش‌آمیز شده، به ایجاد یا تشدید تعارضات زناشویی کمک می‌کند. دوم، تعارض بر سر نحوه‌ی هزینه‌کرد درآمد است. در این زمینه، اولویت‌بندی نیازها از دیدگاه زن و شوهر متفاوت است و هر یک نیازهای متفاوتی را به عنوان نیاز ارجح به شمار می‌آورند. بیشتر تعارضات مالی، مربوط به این موضوع است که زنان گرایش بیشتری به نیازهای روان‌شناختی نظیر زیبایی و منزلت اجتماعی دارند، ولی شوهران اینگونه هزینه‌کردن را نشانه‌ی بی‌توجهی و نداشتن درک کافی همسرانشان تلقی می‌کنند. سوم، نقش مشکلات مالی در ایجاد و تشدید تعارضات زناشویی، زمینه‌سازی برای دخالت خانواده‌های پدری است. زوج‌هایی که از خانواده‌ی پدری کمک مالی دریافت می‌کنند، به ویژه آنهایی که در خانه‌ی پدری یکی از طرفین ساکنند، در معرض آسیب‌پذیری بیشتری قرار دارند. مشکلات مالی در این مورد بیشتر از طریق دامن زدن به رابطه‌ی نامناسب بین نسلی به ازدواج ضربه می‌زند. استناد به نتایج تحقیقات (فولادی و شاه‌نعمتی گاوگانی، ۱۳۹۴؛ محمدپناه و شیرزاد، ۱۳۹۳؛ عرب و همکاران، ۱۳۹۳؛ قاسمی و ساروخانی، ۱۳۹۲؛ محمدپور، ۱۳۹۱؛ هنریان و یونس، ۱۳۹۰؛ شهولی و رضایی‌فر، ۱۳۹۰؛ حبیب‌پور گتایی و نازک‌تبار، ۱۳۹۰؛ فخرایی و حکمت، ۱۳۸۹؛ کاملی، ۱۳۸۶؛ آقاجانی مرسا، ۱۳۸۴؛ قطبی و همکاران، ۱۳۸۳) نشان می‌دهد مشکلات مالی، یکی از مهم‌ترین دلایل اقتصادی طلاق در جامعه‌ی شهری ایران است.

دو) بیکاری

میان بیکاری و رضایت از زندگی زناشویی، رابطه‌ای قوی وجود دارد. مردان بیکار در مقایسه با مردان شاغل، به علت ناتوانی در تأمین ضروریات اولیه‌ی زندگی، کمتر از سوی همسران خود حمایت می‌شوند، جر و بحث همسرانشان با آنان بیشتر است و روابط خانوادگی و زندگی زناشویی آنها انسجام کمتری دارد. شوهران بیکار، میزان کمتری از تفاهم، ارتباط و نظم در روابط خانوادگی را دارند و به طور کلی روابط تنش‌زایی را با همسران خود تجربه می‌کنند. استناد به نتایج تحقیقات (قریشی و همکاران، ۱۳۹۳؛ محمدپناه و شیرزاد، ۱۳۹۳؛ عرب و همکاران، ۱۳۹۳؛ قاسمی و ساروخانی، ۱۳۹۲؛ محمدپور، ۱۳۹۱؛ توسلی و غیائی ندوشن،

۱۳۹۰؛ حبیب‌پور گتایی و نازک‌تبار، ۱۳۹۰؛ مشکی و همکاران، ۱۳۸۹؛ کاملی، ۱۳۸۶؛ قطبی و همکاران، ۱۳۸۳) نشان می‌دهد بیکاری، یکی از مهم‌ترین دلایل اقتصادی طلاق در جامعه‌ی شهری ایران است.

سه) استقلال‌خواهی مالی زنان

کسب استقلال و متکی نبودن به شوهر در مسائل مالی، گاهی نوعی مقابله و حق‌خواهی به شمار می‌آید که به واسطه‌ی آن ممکن است زنان، بسیاری از خصوصیات طبیعی و فطری خود را نادیده بگیرند و حتی این مسئله منجر به تغییر رفتار و نوع نگرش آنان شود. ادامه‌ی این امر به روابط صمیمانه‌ی زن و شوهر لطمه وارد می‌کند و در برخی موارد، به جدایی و طلاق منجر می‌شود. استناد به نتایج تحقیقات (فولادی و شاه‌نعمتی گاوگانی، ۱۳۹۴؛ عرب و همکاران، ۱۳۹۳؛ حبیب‌پور گتایی و نازک‌تبار، ۱۳۹۰؛ کاملی، ۱۳۸۶)، نشان می‌دهد استقلال‌خواهی مالی زنان، یکی از مهم‌ترین دلایل اقتصادی شکل‌گیری طلاق در جامعه‌ی شهری ایران است.

چهار) میزان مهریه و به روز شدن آن

میزان مهریه و به روز شدن آن یکی دیگر از علل طلاق است. دو موضوع در این رابطه قابل ذکر است: نخست اینکه، مهریه‌ی بالا باعث می‌شود که پسر با دیدی منفی زندگی مشترک خود را آغاز کند و این امر بر رفتارهای وی در زندگی زناشویی تأثیر می‌گذارد. دوم اینکه، تا چند سال پیش زنان در صورت طلاق، از پشتوانه‌ی مالی آن‌چنانی برخوردار نبودند. اما با وضع قانون‌های جدید، مسائل مالی بعد از طلاق که یکی از موانع اقدام به طلاق بود، مرتفع شده است و زنان مطمئن هستند که بعد از طلاق از پشتوانه‌ی مالی خوبی برخوردار خواهند بود. استناد به نتایج تحقیقات (فولادی و شاه‌نعمتی گاوگانی، ۱۳۹۴؛ عرب و همکاران، ۱۳۹۳؛ حبیب‌پور گتایی و نازک‌تبار، ۱۳۹۰؛ کاملی، ۱۳۸۶) نشان می‌دهد میزان مهریه و به روز شدن آن، یکی از مهم‌ترین دلایل فردی شکل‌گیری طلاق در جامعه‌ی شهری ایران است.

پنج) عدم پرداخت نفقه

یکی از دلایل فروپاشی زندگی مشترک، عدم پرداخت نفقه از طرف شوهر به همسر است. دو موضوع در این رابطه قابل اشاره است: نخست اینکه، برخی از مردان با وجود تمکن مالی، حاضر به پرداخت نفقه به همسر خود نیستند و دوم اینکه، عده‌ای از



مردان به علت مشکلات مالی قادر به پرداخت نفقه نیستند. صرف نظر از مورد دوم که شکل‌گیری طلاق نه فقط به علت عدم پرداخت نفقه، بلکه به دلایلی چون بیکاری که خود به وجود آورنده مشکلات مالی و به تبع آن عدم پرداخت نفقه به همسر است، در مورد نخست، عدم پرداخت نفقه در بیشتر موارد منجر به طلاق و انحلال رابطه زناشویی می‌شود. استناد به نتایج تحقیقات (فولادی و شاه‌نعمتی گاوگانی، ۱۳۹۴؛ عرب و همکاران، ۱۳۹۳؛ محمدپناه و شیرزاد، ۱۳۹۳؛ کاملی، ۱۳۸۶) نشان می‌دهد عدم پرداخت نفقه، یکی از مهم‌ترین دلایل فردی شکل‌گیری طلاق در جامعه شهری ایران است.

۴. عامل اجتماعی

تأثیر منفی رسانه‌ها

رسانه‌های جمعی به دلیل کارکرد متنوع خود و ایجاد تغییرات پیوسته، به تدریج جای ارتباط فردی از نوع چهره به چهره را گرفته و توانسته‌اند فضای فردی را به جای فضای جمعی خانواده حاکم کنند. افزایش میزان مشاهده تلویزیون، به کاهش فضای گفتگو، ایجاد فاصله عاطفی، هیجانی و شناختی میان اعضای خانواده، افزایش فردگرایی و کاهش جمع‌گرایی و در نتیجه، از بین رفتن انسجام خانواده‌ها منجر شده است. از طرف دیگر، حضور بی‌قاعده ماهواره و اینترنت در منازل، ذائقه جنسی را افزایش داده، از جذابیت زن و شوهر برای یکدیگر کاسته است. علاوه بر این، عدم رعایت مرزهای اخلاقی میان زن و مرد و مشاهده تصاویر و فیلم‌های مستهجن به شکل گروهی، سطح حیا را کاهش داده، به بی‌تفاوتی مرد در مقابل رفتارهای جنسی همسرش منجر شده است. استناد به نتایج تحقیقات (قلی‌زاده و همکاران، ۱۳۹۴؛ عرب و همکاران، ۱۳۹۳؛ قریشی و همکاران، ۱۳۹۳؛ محمدپور، ۱۳۹۱؛ قادرزاده و همکاران، ۱۳۹۱) نشان می‌دهد تأثیر منفی رسانه‌ها، مهم‌ترین علت اجتماعی طلاق در جامعه شهری ایران است.

۵. عوامل فرهنگی

یک آرمان‌زدگی و افزایش سطح توقعات

هر چند آرمان‌زدگی تأثیر مهمی در حرکت آفرینی و موفقیت دارد؛ اما آرمان‌زدگی به معنای نگاه افسانه‌ای و غیر واقع بینانه به زندگی می‌تواند به افزایش سطح انتظارات و عدم تحقق آن‌ها به یأس بینجامد. افزایش سطح توقعات از ازدواج و سپس از زندگی مشترک و یکدیگر بر روابط عاطفی زوجین مؤثر و عدم تحقق آن‌ها عامل بسیاری از

ناسازگاری‌ها و جدایی‌ها است. این توقعات ممکن است در زمینه‌ی مالی، عاطفی و ... باشد. توقعات بسیاری که اغلب ناشی از نازپروردگی، چشم‌وهم‌چشمی‌ها، نگاه کردن به زندگی دیگران و کوچک به حساب آوردن همسر است و حاصل آن جز ناکامی و پریشانی نیست. تعهدات کاری و مالی بیش از حد که به خستگی جسمی و روحی می‌انجامد، پیامد دیگر افزایش سطح مطالبات از زندگی است که در پاره‌ای از موارد زندگی زناشویی را به جدایی می‌کشاند. استناد به نتایج تحقیقات (قلی‌زاده و همکاران، ۱۳۹۴؛ قریشی و همکاران، ۱۳۹۳؛ عرب و همکاران، ۱۳۹۳؛ قادرزاده و همکاران، ۱۳۹۱؛ حبیب‌پور گتایی و نازک‌تبار، ۱۳۹۰؛ شهولی و رضایی‌فر، ۱۳۹۰؛ فخرایی و حکمت، ۱۳۸۹؛ غیائی و همکاران، ۱۳۸۹؛ کاملی، ۱۳۸۶؛ ریاحی و همکاران، ۱۳۸۶) نشان می‌دهد آرمان‌زدگی و افزایش توقعات، یکی از مهم‌ترین دلایل فرهنگی طلاق در جامعه‌ی شهری ایران است.

دو) کم‌رنگ شدن ارزش‌های اخلاقی و دینی

پایبندی به سنت‌ها و رسوم اخلاقی در جوامع دینی، عامل مهمی در تحکیم روابط خانوادگی است. نقش عنصر اخلاق در استحکام خانواده، از مسائلی است که به نظر می‌رسد کارشناسان امور خانواده حق آن را به درستی ادا نکرده‌اند. این در حالی است که در شرایطی که حتی زوجین از جهات گوناگون همسانی دارند، ضعف تربیت اخلاقی می‌تواند به تنهایی باعث از هم پاشیدگی خانواده شود. استناد به نتایج تحقیقات (قلی‌زاده و همکاران، ۱۳۹۴؛ فولادی و شاه‌نعمتی گاوگانی، ۱۳۹۴؛ قریشی و همکاران، ۱۳۹۳؛ بهشتیان، ۱۳۹۳؛ قاسمی و ساروخانی، ۱۳۹۲؛ حبیب‌پور گتایی و نازک‌تبار، ۱۳۹۰؛ حکیم و زاهدی‌فر، ۱۳۸۹) نشان می‌دهد کم‌رنگ شدن ارزش‌های اخلاقی و دینی، یکی از مهم‌ترین دلایل فرهنگی طلاق در جامعه‌ی شهری ایران است.

سه) ارتباط نامناسب قبل از ازدواج

مسئله‌ی دوستی‌های دختران و پسران قبل از ازدواج، یکی دیگر از علل شکل‌گیری طلاق است. در ارتباط با این مسئله دو موضوع قابل طرح است. نخست اینکه، توجیه برخی افراد در خصوص این نوع دوستی‌ها، لزوم آشنایی دختر و پسر برای شناخت کامل یکدیگر و در نتیجه، موفقیت در ازدواج و زندگی آینده‌شان است؛ در حالی که این نوع دوستی‌ها به هیچ وجه تضمین‌کننده‌ی کسب شناخت دقیق دختر و پسر از یکدیگر نیست؛ زیرا در دوستی‌های قبل از ازدواج، هر یک از طرفین برای جلب نظر دیگری به ایفای



نمایشی و دور از واقعیت نقش خود می‌پردازد یا اینکه یکی از طرفین یا هر دو به سبب محبت و علاقه‌ای که ایجاد شده، نمی‌توانند عیوب یکدیگر را ببینند و جوانب مختلف قضیه را مورد سنجش قرار دهند. دوم اینکه، دختری که ارتباط وی با پسری آشکار می‌شود، جایگاه و شخصیت خود را از دست داده و دیگر نمی‌تواند زندگی متعادلی داشته باشد؛ زیرا از طرف شوهر و خانواده او به خاطر روابط گذشته‌اش پیوسته سرزنش و تحقیر می‌شود. بنابر این، در هر دو مورد، ازدواج‌هایی شکل می‌گیرد که از همان ابتدا محکوم به شکست است و در نهایت نیز به طلاق منجر می‌شود. استناد به نتایج تحقیقات (فولادی و شاه‌نعمتی گاوگانی، ۱۳۹۴؛ محمدپور، ۱۳۹۱؛ حبیب‌پور گتایی و نازک‌تبار، ۱۳۹۰؛ کاملی، ۱۳۸۶) نشان می‌دهد ارتباط نامناسب قبل از ازدواج، یکی از مهم‌ترین دلایل فرهنگی طلاق در جامعه شهری ایران است.

چهار) عدم تناسب و تفاهم میان زوجین

در کنار نقش اساسی و مهم ارزش‌ها و هنجارها، عدم همسان‌همسری و تفاوت در خرده‌فرهنگ‌ها نیز تأثیر بسزایی در ایجاد اختلاف و بروز طلاق دارند. از آنجا که نه تنها عناصر فرهنگ در خانواده‌های مختلف متفاوتند، بلکه در کیفیت اجرای اجزای فرهنگ نیز اختلاف وجود دارد و هر خانواده‌ای عناصر فرهنگی را به نحوی خاص و متفاوت با دیگران برداشت و تفسیر می‌کند. حال اگر در امر ازدواج، تناسب فردی و اجتماعی و تفاهم فکری، اخلاقی، تربیتی، مذهبی، سلیقه و آداب و رسوم بین زن و شوهر در نظر گرفته نشود، باعث می‌شود هر کدام از زوجین راهی را در پیش گیرند که مورد قبول دیگری نیست. استناد به نتایج تحقیقات (فولادی و شاه‌نعمتی گاوگانی، ۱۳۹۴؛ قریشی و همکاران، ۱۳۹۳؛ محمدپناه و شیرزاد، ۱۳۹۳؛ عرب و همکاران، ۱۳۹۳؛ مختاری و همکاران، ۱۳۹۳؛ محمدپور، ۱۳۹۱؛ اسحاقی و همکاران، ۱۳۹۱؛ قادرزاده و همکاران، ۱۳۹۱؛ سهولی و رضایی‌فر، ۱۳۹۰؛ حبیب‌پور گتایی و نازک‌تبار، ۱۳۹۰؛ غیائی و همکاران، ۱۳۸۹؛ مشکلی و همکاران، ۱۳۸۹؛ فخرایی و حکمت، ۱۳۸۹؛ حکیم و زاهدی‌فر، ۱۳۸۹؛ فاتحی دهاقانی و نظری، ۱۳۹۰؛ کاملی، ۱۳۸۶؛ آقاجانی مرسا، ۱۳۸۴؛ قطبی و همکاران، ۱۳۸۳) نشان می‌دهد عدم تناسب و تفاهم میان زوجین، یکی از مهم‌ترین دلایل فرهنگی طلاق در جامعه شهری ایران است.

پنج) تصوّر مثبت از پیامدهای طلاق

گاه، داشتن تصوّر مثبت از شرایط بعد از طلاق، باعث می‌شود زنان فکر کنند با گسستن پیوند زناشویی می‌توانند از منفعت مالی و آرامش روانی برخوردار شوند! اما

واقعیت این است که با توجه به بافت فرهنگی و نگاه غالب جامعه به طلاق در ایران، طلاق پیامدهای منفی بسیاری برای زنان به همراه خواهد داشت و آثار مخرب آن بر روی زنان بسیار شدیدتر از مردان است. استناد به نتایج تحقیقات (عرب و همکاران، ۱۳۹۳؛ قادرزاده و همکاران، ۱۳۹۱؛ فاتحی دهقانی و نظری، ۱۳۹۰؛ ریاحی و همکاران، ۱۳۸۶) نشان می‌دهد تصوّر مثبت از پیامدهای طلاق، یکی از مهم‌ترین دلایل فرهنگی طلاق در جامعه شهری ایران است.

ز) جمع‌بندی

طلاق نشانگر مشکلات اساسی و عدیده بین زن و شوهر در سطح خرد (خانواده) است که می‌تواند در بعد کلان (جامعه) نیز شیوع و گسترش یابد، ارزش‌های خانوادگی را از بین ببرد، منجر به کاهش انسجام اجتماعی و افزایش آسیب‌های اجتماعی شود و سنگ بنای جامعه را از هم بگسلد. نتایج تحقیقات انجام شده در حوزه طلاق نشان می‌دهد این پدیده به عنوان مسئله‌ای اجتماعی، منبث از مجموعه عوامل متعدد فردی، خانوادگی، اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و ... است و تعیین یک عامل اصلی و قطعی برای وقوع و شکل‌گیری آن امکان‌پذیر نیست؛ اما می‌توان برای برنامه‌ریزی بهتر و سریع‌تر، در میان مجموعه عوامل مؤثر، مهم‌ترین و تأثیرگذارترین علل را شناسایی و ارائه کرد. لذا پژوهش حاضر با هدف آسیب‌شناسی اجتماعی طلاق در جامعه شهری ایران، با روش تحلیل ثانویه و بعد از بررسی مقالات منتشر شده از سال ۱۳۸۳ تا سال ۱۳۹۴ در حوزه طلاق و بازنگری در آنان به منظور بررسی و شناسایی مهم‌ترین عوامل فردی، خانوادگی، اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و نیز ارائه تأثیرگذارترین علل درمیان مهم‌ترین علل فردی، خانوادگی، اقتصادی، اجتماعی، و فرهنگی شناسایی شده شکل‌گیری این پدیده انجام شده است.

نتایج به دست آمده حاکی از آن بود که ضعف مهارت‌های زندگی، دروغ‌گویی، بدگمانی، نارضایتی جنسی و خیانت، خشونت، اعتیاد، نازایی، ازدواج مجدد و بیماری روانی، مهم‌ترین علل فردی؛ مداخله اطرافیان، ازدواج اجباری و نامناسب، مهم‌ترین علل خانوادگی؛ مشکلات اقتصادی، بیکاری، استقلال‌خواهی مالی زنان، میزان مهریه و به روز شدن آن، عدم پرداخت نفقه، مهم‌ترین علل اقتصادی؛ تأثیر منفی رسانه‌ها، مهم‌ترین علت اجتماعی و آرمان‌زدگی و افزایش سطح توقعات، کم‌رنگ شدن ارزش‌های اخلاقی و

دینی، ارتباط نامناسب قبل از ازدواج، عدم تناسب و تفاهم میان زوجین و تصوّر مثبت از پیامدهای طلاق، از مهم‌ترین علل فرهنگی شکل‌گیری طلاق در جامعه‌ی شهری ایران بوده‌اند.

در میان مهم‌ترین علل شناسایی شده نیز به ترتیب: علل فردی با ۹ علت، علل اقتصادی و فرهنگی هر کدام با پنج علت، علل خانوادگی با دو علت و علل اجتماعی با یک علت شناسایی شده. تأثیرگذارترین علل شکل‌گیری طلاق در میان مهم‌ترین علل فردی، خانوادگی، اقتصادی، اجتماعی، و فرهنگی شناسایی شده بوده‌اند.

راهکارها:

- آموزش اصول صحیح همسرگزینی و فراهم آوردن زمینه‌های مناسب و مبتنی بر فرهنگ ایرانی- اسلامی برای شناخت بهتر و دقیق‌تر مردان و زنان از یکدیگر در مراحل قبل از ازدواج و نیز شناسایی شباهت‌ها و تفاوت‌های فکری و رفتاری یکدیگر و مبادرت به امر ازدواج و همسان‌گزینی بر اساس ملاک‌های عقل و شرع.

- آموزش مهارت‌های زندگی از طریق برگزاری دوره‌های آموزشی قبل از ازدواج با عناوین آموزش شیوه‌های صحیح رفتاری، راهبردهای ارتقای کارکرد خانواده، حقوق و تکالیف زوجین، بهداشت باروری و... به منظور کسب آگاهی و شناخت دقیق از ویژگی‌های جنس مخالف، پرهیز از به کارگیری کلیشه‌های جنسیتی در برخورد با همسر و افزایش قدرت تحمل و بالا بردن میزان تفاهم و سازگاری زناشویی.

- ترویج فرهنگ مراجعه به مراکز مشاوره خانواده در هنگام بروز اختلافات و استفاده بیشتر از کارشناسان خانواده برای ارائه مشاوره به هنگام بروز اختلاف به منظور کاهش حضور و دخالت اخلال‌گرانه اطرافیان در زندگی زناشویی.

- آموزش والدین زوجین و زوجین در خصوص مسئولیت‌پذیری بیشتر و توانمندسازی آنها از طریق برگزاری کلاس‌های آموزشی خاص.

- ایجاد مراکز مشاوره، به ویژه در دانشگاه‌ها به منظور بهبود فرایند همسریابی.

- ایجاد و گسترش مراکز مشاوره و مداخله در بحران‌ها و اختلافات خانوادگی.

- فرهنگ‌سازی در جهت رعایت تقوا و عدالت و پایبندی به ارزش‌های اخلاقی توسط

زوجین.





- تقویت بنیان‌های مذهبی و ارزش‌های دینی و اخلاقی در سطح جامعه.
- ترسیم دقیق و کارشناسانه پیامدهای فردی، خانوادگی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی طلاق به ویژه برای زنان و کودکان به منظور پرهیز از شتاب‌زدگی زوجین در اخذ تصمیمات فوری و نسنجیده برای طلاق.
- تقویت و توسعه طرح‌های پیشگیری از همسرآزاری و سازش خانوادگی با همکاری سازمان‌های غیر دولتی.
- توانمندسازی اقتصادی خانواده‌ها به منظور کاهش فشارهای اقتصادی موجود.
- کاهش و کنترل آسیب‌های فردی و اجتماعی تهدیدکننده نهاد خانواده؛ به ویژه بیکاری، فقر، اعتیاد، خشونت و ... در سطح جامعه.

منابع

- آقاجانی مرسا، حسین (۱۳۸۴). «عوامل مؤثر بر طلاق بر حسب طبقه اجتماعی، مورد مطالعه: شهر تهران». جامعه‌شناسی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد آشتیان، ش ۲: ۶۴-۳۱.
- اسحاقی، محمد؛ سیده فاطمه محبی، ستار پروین و فریبرز محمدی (۱۳۹۱). «سنجش عوامل اجتماعی مؤثر بر درخواست طلاق زنان در شهر تهران». زن در توسعه و سیاست، دوره دهم، ش ۳: ۹۷-۱۲۴.
- بهشتیان، محمد (۱۳۹۳). «مقایسه بین متغیرهای جمعیت‌شناختی، فرهنگی و مذهبی زوج‌های عادی و متقاضی طلاق در شهر تهران در سال ۱۳۹۳». جامعه‌پژوهی فرهنگی، سال پنجم، ش ۲: ۵۳-۳۷.
- بیکر، ترز-ال (۱۳۸۶). نحوه انجام تحقیقات اجتماعی. ترجمه هوشنگ نایی. تهران: نی، چ دوم.
- تقوی، نعمت‌الله (۱۳۷۸). جامعه‌شناسی خانواده. تهران: دانشگاه پیام نور، چ چهارم.
- توسلی، غلامعباس و علی غیاثی ندوشن (۱۳۹۰). «عوامل اجتماعی طلاق طی یک دهه اخیر، مورد مطالعه استان یزد سال‌های ۸۶-۸۰». مطالعات توسعه اجتماعی ایران، سال سوم، ش ۴: ۴۹-۳۵.
- حبیب‌پور گتایی، کرم و حسین نازک‌تبار (۱۳۹۰). «عوامل طلاق در استان مازندران». مطالعات راهبردی زنان، سال چهاردهم، ش ۳۵: ۱۲۷-۸۷.
- حسینی بهشتی، سید محمد؛ محمدجواد باهنر و علی گلزاده غفوری (۱۳۹۰). شناخت اسلام. تهران: بقعه، چ دوم.
- حکیم، سید منذر و بتول زاهدی‌فر (۱۳۸۹). «علل طلاق و راهبردهای کاهش آن از دیدگاه قرآن با روش ترتیب نزول». مطالعات راهبردی زنان، سال سیزدهم، ش ۴۹: ۳۴۸-۲۹۳.
- ریاحی، محمد اسماعیل؛ علی وردی‌نیا و اکبر بهرامی کاکاوند (۱۳۸۶). «تحلیل جامعه‌شناختی طلاق، مطالعه موردی شهرستان کرمانشاه». پژوهش زنان، دوره پنجم، ش ۳: ۱۴۰-۱۰۹.
- زرگر، فاطمه و حمید طاهر نشاط‌دوست (۱۳۸۶). «بررسی عوامل مؤثر در بروز طلاق در شهرستان فلاورجان». خانواده‌پژوهی، سال سوم، ش ۱۱: ۷۴۹-۷۳۷.



- شهولی، کیامرث و سلطانمراد رضایی فر (۱۳۹۰). «بررسی علل ناسازگاری و طلاق در خانواده‌های شهرستان ایزده». خانواده‌پژوهی، سال دوم، ش ۱: ۱۳۸-۱۱۳.
- صدیق سروستانی، رحمت‌الله (۱۳۸۷). آسیب‌شناسی اجتماعی؛ جامعه‌شناسی انحرافات اجتماعی. تهران: سمت، چ دوم.
- عرب، سید محمد؛ رضا ابراهیم‌زاده پزشکی و علی مروتی شریف‌آبادی (۱۳۹۳). «طراحی مدل فراترکیب عوامل مؤثر بر طلاق با مرور نظامند مطالعه‌های پیشین». اپیدمیولوژی، دوره دهم، ش ۴: ۲۲-۱۰.
- غیائی، پروین؛ لادن معین و لهراسب روستا (۱۳۸۹). «بررسی علل اجتماعی گرایش به طلاق در بین زنان مراجعه‌کننده به دادگاه خانواده شیراز». زن و جامعه، سال اول، ش ۳: ۱۰۴-۷۷.
- فاتحی دهقانی، ابوالقاسم و علی محمد نظری (۱۳۹۰). «تحلیل جامعه‌شناختی عوامل مؤثر بر گرایش زوجین به طلاق در استان اصفهان». مطالعات امنیت اجتماعی، دوره دوم، ش ۲۵: ۵۴-۱۳.
- فخرایی، سیروس و شرمین حکمت (۱۳۸۹). «عوامل اجتماعی مؤثر بر شدت درخواست طلاق از سوی زنان شهرستان سردشت». زن و مطالعات خانواده، سال دوم، ش ۷: ۱۲۰-۱۰۳.
- فرانکفورد، چاوا و دیوید نجمیاس (۱۳۸۱). روش‌های پژوهش در علوم اجتماعی. ترجمه باقر ساروخانی، فاضل لاریجانی و رضا فاضل. تهران: سروش.
- فولادی، اصغر و شاه‌نعمتی گاوگانی (۱۳۹۴). «بررسی علل طلاق در استان آذربایجان شرقی - تبریز». جامعه‌پژوهی فرهنگی، سال ششم، ش ۲: ۱۱۳-۸۹.
- قادرزاده، امید؛ هیرش قادرزاده و حسین حسن‌پناه (۱۳۹۱). «عوامل پیش‌بینی کننده گرایش زوجین به طلاق در مناطق مرزی». مشاوره و روان‌درمانی خانواده، سال چهارم، ش ۱: ۱۱۸-۱۰۲.
- قاسمی، علیرضا و باقر ساروخانی (۱۳۹۳). «عوامل اجتماعی طلاق و سلامت روانی - اجتماعی در زوجین متقاضی طلاق توافقی و غیر توافقی شهرستان کرمانشاه». زنان و خانواده، سال هشتم، ش ۲۶: ۳۷-۷.
- قاسمی، علیرضا و باقر ساروخانی (۱۳۹۲). «عوامل مرتبط با طلاق در زوجین متقاضی طلاق توافقی شهرستان کرمانشاه». مطالعات علوم اجتماعی، سال دهم، ش ۳۹: ۸۷-۶۹.
- قریشی، فردین؛ داوود شیرمحمدی و آوات برجوند (۱۳۹۳). «فهم عوامل طلاق از منظر مردان و زنان در معرض طلاق و طلاق گرفته، مورد مطالعه: شهر سقز». پژوهش‌های راهبردی نظم و امنیت، سال سوم، ش ۱: ۳۰-۱۹.
- قطبی، مرجان؛ کوروش هلاکویی نایینی، ابوالقاسم جزایری و عباس رحیمی (۱۳۸۳). «وضعیت طلاق و برخی عوامل مؤثر بر آن در افراد مطلقه ساکن در منطقه دولت‌آباد». رفاه اجتماعی، سال سوم، ش ۱۲: ۲۸۸-۲۷۳.
- قلی‌زاده، آذر؛ امیرحسین بانکی‌پورفرد و زهرا مسعودی‌نیا (۱۳۹۴). «مطالعه کیفی تجارب مردان و زنان طلاق گرفته از عوامل فرهنگی زمینه‌ساز طلاق». جامعه‌شناسی کاربردی، سال بیست و ششم، ش ۵۷: ۶۴-۳۹.
- کاملی، محمدجواد (۱۳۸۶). «بررسی توصیفی علل و عوامل مؤثر در بروز آسیب اجتماعی طلاق در جامعه ایران با توجه به آمار و اسناد موجود». دانش انتظامی، سال نهم، ش ۳: ۱۹۸-۱۸۰.
- محسن‌زاده، فرشاد؛ علی محمد نظری و مختار عارفی (۱۳۹۰). «مطالعه کیفی عوامل ناراضیتی زناشویی و اقدام به طلاق، مطالعه موردی شهر کرمانشاه». مطالعات راهبردی زنان، سال چهارم، ش ۵۳: ۴۲-۷.



- محمدپناه، امیرحسین و حمیدرضا شیرزاد (۱۳۹۳). «عوامل مؤثر در شکل‌گیری طلاق و تأثیر آن بر امنیت اجتماعی شهر سنندج». پژوهش‌های انتظامی-اجتماعی زنان و خانواده، دوره دوم: ۱۰۲-۸۵.
- محمدپور، احمد (۱۳۹۱). «بسترها، پیامدها و سازگاری زنان مطلقه شهر تهران، یک مطالعه پدیدارشناسانه». مشاوره و روان‌درمانی خانواده، سال چهارم، ش ۱: ۱۷۲-۱۳۵.
- مختاری، مریم؛ اصغر میرفردی و ابراهیم محمودی (۱۳۹۳). «بررسی عوامل اجتماعی مؤثر بر میزان گرایش به طلاق در شهر یاسوج». جامعه‌شناسی کاربردی، سال بیست و پنجم، ش ۵۳: ۱۵۷-۱۴۱.
- مشکى، مهدى؛ زهره شاه‌قاسمى، على دلشاد نوقابى و علیرضا مسلم (۱۳۸۹). «بررسی وضعیت و عوامل مرتبط با طلاق از دیدگاه زوجین مطلقه شهرستان گناباد در سال‌های ۱۳۸۸-۱۳۸۷». افق دانش، دوره هفدهم، ش ۱: ۴۵-۳۵.
- هنریان، مسعوده و سید جلال یونسی (۱۳۹۰). «بررسی علل طلاق در دادگاه‌های خانواده تهران». مطالعات روان‌شناسی بالینی، سال اول، ش ۳: ۱۵۳-۱۲۵.

